

شہیار قنبری

بنویس! ساعت پاکنویس

روایت کامل

دو دفتر پاکنویس با ہم

۲۰۱۷ء

© حق محفوظ ہے۔ سب کے لئے مفت ہے۔ اگر کسی نے اس کتاب کو بغیر اجازت کے کاپی کیا تو اس کا نام لکھنا ضروری ہے۔
۲۰۱۷ء

negshpb.com

negshpb@negshpb.com

instanegshpb

Telegram: negshpb



مؤسسہ انتشارات نگاہ

فہرست

پیش صدا!

۱۵	پیش ترانہ
۱۹	مقدمہ یی بر «صدا» و «نوا»
۲۲	کم یعنی: زیاد
۲۵	مقدمہ ی نقشہ ی یک ترانہ
۲۷	ساختار ترانہ
۲۹	نمودار
۳۱	بازنویسی
۳۳	قصہ ی دو ماہی
۳۶	دو مسافر...
۴۰	گزینش نام
۴۳	سادہ باشیم
۴۶	بر موسیقی، شعر بنشانیم
۵۳	یک سرگرمی تازہ

شہار قنبری

- ۵۵..... ہواى شب امتحان
- ۵۷..... الھام
- ۵۹..... شاعر به شکار می رود
- ۶۳..... حقیقت زیبایی
- ۶۶..... موسیقی: آزادی کامل!
- ۷۱..... اندر زھایی به شاعر
- ۷۳..... رقص
- ۷۵..... شش سیم
- ۷۶..... ترانه‌ی مُرده
- ۷۷..... تیره
- ۷۸..... تکه‌یی از یک ترانه در گوش دخترک تازه سال
- ۸۰..... دوراهی
- ۸۲..... واز آن پس
- ۸۴..... صلیب
- ۸۵..... آن صد عشقباز
- ۸۷..... زرورق آب نبات و اسباب بازی
- ۸۹..... یک زیبایی آفرین راستین این گونه سخن می گوید:
- ۹۵..... کوشش کنید، کوشش نکنید
- ۹۷..... گوش تا گوش
- ۱۰۰..... فرق میان زندگی و مرگ: ریتم یا ضرباهنگ:
- ۱۰۲..... چه باید نوشت؟
- ۱۰۷..... دیروز و هنوز
- ۱۰۸..... ترانه‌ی قرن: دیروز Yesterday

بنویس! ساعت پاکنویس!

شہار قنبری

- ۱۱۱..... انقلاب
- ۱۱۳..... خیال کن
- ۱۱۵..... اوزیباترین عاشقانه‌ی جهان را نوشته است:
- ۱۱۸..... مرارها نکن
- ۱۲۳..... Ne Me Quitte Pas
- ۱۲۶..... موجبازی ترانه برنوار
- ۱۲۹..... از یک تصویر
- ۱۳۱..... از یاد نبریم که:
- ۱۳۳..... اهل فردا

ENCORE

- ۱۳۷..... ترانه نویسی؟ از «ترانه نوشتن» چه می دانم؟
- ۱۴۳..... پس پشت ترانه قصه‌ی میلاد یک ترانه
- ۱۵۰..... پل مک کارتنی به روسیه برمی گردد!
- ۱۵۲..... بازگشت به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
- ۱۵۴..... دوستت داشتم، دوستت دارم، دوستت خواهم داشت
- ۱۵۷..... ژاک برل ترانه می نویسد:
- ۱۶۰..... Final Cut
- ۱۶۲..... اشاره
- ۱۶۴..... ترانه دزدان به فکر فردا نیستند!
- ۱۶۷..... نوشتن یا ننوشتن: مسأله این است!
- ۱۷۳..... پیرپرنیان اندیش: در صحبت سایه: هوشنگ ابتهاج
- ۱۷۷..... از چینی نازک شعر: گلابدان چینی توفو Tu Fu

بنویس! ساعت پاکنویس!

شهباز قنبری

- ۱۸۴ استقلال هنر! در «نوناکجاآباد»
- ۱۸۷ جان شیرین جهان «جان»
- ۱۹۰ قهرمان طبقه‌ی کارگر
- ۱۹۳ در تو، بی تو
- ۱۹۵ چیزی
- ۱۹۷ می دانی که راست می گویم.
- ۲۰۰ جرج هریسون از تماشای «کریشنا» برمی گردد!
- ۲۰۲ کاری که «آغاز» دارد، اما «بی پایان» است!
- ۲۰۷ به یادگار نوشتیم خطی ..
- ۲۱۲ بی «تو»، «هنر» زنده نیست!
- ۲۱۳ خبر مهم: رایبندرانات تاگور.
- ۲۱۸ فیلم کوتاه. چیزهایی هم هست ...

پیش‌ترانه

در شرق رسم نیست که آدم‌ها، میوه‌های تجربه‌ی خود را با دیگران قسمت کنند. هر کس هر چه می‌داند به ته صندوقچه می‌چسباند. چرا که آدم، صاحب فکر و کشف و اختراع خود نیست.

«زیبایی‌آفرینان» به پاسداشت نمی‌رسند. زیر چتر قانون حمایت از آثار نیستند. این ناامنی و ترس از دست دادن آن چه به دشواری آفریده‌یی، سخاوت‌ات را می‌گیرد. ناخن خشک‌ات می‌کند.

در این سال‌ها، شاعران جوان و کم‌حوصله که چرک‌نویس‌هاشان را چاپ می‌کنند، برای من کتاب ترانه‌های شان را فرستاده‌اند. دردا که از سرتا پا، دیگران را رونویسی کرده‌اند. کمرنگ و بد! چرا که نمی‌دانند، «فکر» و «ترکیب» و «تصویر» دیگری را کش رفتن، «جرم» است. عشق نیست!

یکی که حتّاً از نام ترانه‌ها هم نگذشته است: با صدای بی‌صدا و...

بنویس! ساعت پاک‌نویس!